

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۴، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

اسوه‌های مذهبی در شعر دفاع مقدس* (علمی - پژوهشی)

دکتر احمد امیری خراسانی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

قدرت آخشن

کارشناس ارشد ادبیات مقاومت دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

انسان به دلیل کمال‌خواهی، الگوطلب و الگوپذیر است. او هنگامی که با الگویی روبه‌رو می‌شود و کمال مطلوب خویش را در آن می‌یابد، از نظر عاطفی نوعی قرابت و هماهنگی، بین خود و الگو احساس می‌کند که این امر موجب تأسی الگوپذیر از الگو می‌شود. شاعران دفاع مقدس نیز هنگامی که مرزهای زمینی و عقیدتی ملت خود را مورد هجوم می‌بینند، در دفاع و پایداری، همگام با ملت خود، عزمی راسخ دارند. شاعران با پشتوانه فرهنگ غنی اسلام، در صحنه حاضر می‌شوند. آن‌ها بنا بر موضوع و هدف، الگوهای مذهبی را به صورت شخصیتی نو و متناسب با مسائل جامعه پیوند زده و در نیل به آرمان‌ها، مطرح می‌کنند که این خود عاملی بر تشویق مخاطب، به الگوگیری از این شخصیت‌ها می‌شود. سؤال اصلی تحقیق، آن است که کدام شخصیت‌های مذهبی، بیشترین حجم اشعار دفاع مقدس را به عنوان مضمون شعری به خود اختصاص داده‌اند؛ بنابراین، در این مقاله سعی شده است شخصیت‌های مذهبی پربسامدی که در شعر دفاع مقدس، به عنوان اسوه مطرح شده‌اند، شناسایی شود تا با معرفی و شناساندن آن‌ها، بتوانیم خوانندگان را با جهان‌بینی، سیراندیشه و افکار شاعران دفاع مقدس آشنا سازیم.

واژگان کلیدی

اسوه، شعر، دفاع مقدس.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۴/۲۰

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۲۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده: Amiri@mail.uk.ac.ir

Akhshan61@gmail.com

۱- درآمد

با شروع جنگ تحمیلی، ادبیات به ابزار توده‌ای، برای انسجام گروه‌های متفاوت اجتماعی تبدیل شد. بدین ترتیب، به‌منظور انجام امور محوکه، ناگزیر به ساده‌ترین شیوه روی آورد. شاعران با طرح اسوه‌ها و دعوت این شخصیت‌ها به شعر خود، از آن‌ها برای پیشبرد سخن خود- که زبان گویای مردم خویش است- کمک گرفتند.

در ادبیات پایداری افتخارات، ارزش‌ها و گذشته‌های غرورآفرین پیش از جنگ، همیشه تکیه‌گاه شاعران و نویسندگان برای تشویق و تحریض به پاسداری از سرزمین و ارزش‌ها بوده است؛ بنابراین، ادبیات پایداری ملّت‌هایی که ریشه‌های دینی و اعتقادی دارند؛ با طرح گذشته‌ها، شخصیت‌های افتخارآفرین و اسوه‌های مقاومت و پایداری قرین است. بدین ترتیب شاعران دفاع مقدّس، مضمون قرار دادن این شخصیت‌ها را به مثابه مدخلی برای ورود به قلب و فکر مخاطب، به- منظور تأثیرگذاری بر او و افزایش گرایش به این الگوها می‌دانند.

استفاده فراوان از اسوه‌های مذهبی در لابه‌لای اشعار مختلف شعر دفاع مقدّس و همچنین تجلّی شاعرانه افکار و اندیشه‌های این گروه، در سروده‌های دفاع مقدّس به خوبی مشهود است. شخصیت‌های اسوه‌ای که تمام عمر خود را صرف مبارزه حقّ، علیه باطل نموده‌اند و وجود آن‌ها چونان خورشیدی در صفحات تاریخ دینی ما می‌درخشد و ما در این مجال برآیند، به بحث و بررسی پیرامون این اسوه‌ها در ادبیات منظوم دفاع مقدّس، باتکیه بر آثار برجسته‌ترین شاعران دفاع مقدّس پردازیم. هر چند نظیر این پژوهش، مقاله‌ای تحت عنوان «رحمدل و اسوه‌های پایداری» صورت گرفته است، ولیکن در این تحقیق سعی شده است؛ دامنه پژوهش وسیع‌تر شود تا این بحث بتواند به درک بهتر آثار منظوم دفاع مقدّس و همچنین روشن‌تر شدن رسالت ادبیات دوره مذکور کمک کند.

۲- معنا و مفهوم شناسی

۲-۱- اسوه

«اسوه»، ناقص واوی و بر وزن فَعْلَه می‌باشد و وزن فعله، برای چیزی است که به آن عمل شود مثل لقمه... پس اسوه، آن چیزی است که به آن تأسی جسته و اعمال و رفتار به وسیله آن اصلاح گردد (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱: ۶۴).

آنچه از تعاریف ذیل اصطلاح این واژه مشخص است، تقریباً همه به معانی سرمشق، مقتدا و نمونه پیروی اذعان دارند. در تأثیر این نکته، علامه طباطبایی در تفسیر آیه: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ... در کتاب خود، تفسیرالمیزان، این واژه را به معنای اقتدا و پیروی، (در معنای مصدری) گرفته است و می فرماید: اسوه در مورد رسول خدا (ص) پیروی از اوست و معنای آیه این است که یکی از احکام رسالت رسول خدا (ص) و ایمان آوردن شما این است که هم در گفتار و هم در رفتارش به او تأسی کنید (طباطبایی، ج ۱۶: ۳۰۵).

درباره واژه اسوه، لغت‌نامه دهخدا نیز می‌نویسد: «اسوه؛ پیشوا، مقتدا و قدوه، پیشرو، خصلتی که شخص بدان لایق مقتدایی و پیشوایی می‌گردد... نمونه پیروی و اقتدا، سرمشق» (دهخدا، ۱۳۷۷ ج ۱: ۲۵۷۸).

واژه «اسوه» و معادل آن «الگو» در فارسی، را می‌توان به نمونه‌های انسانی و به شیوه و طرز عمل افراد اطلاق نمود؛ اما معنایی که در حال حاضر، از این کلمه برداشت می‌شود و موضوع ما در این پژوهش است، به حالت و گرایش شخص به دیگری و پیروی از کارهای نیک و بد وی اطلاق می‌گردد، به گونه‌ای که در عمل، همانند او باشد و حالت وی را بیابد، و برحسب این که پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه ای نیک یا بد باشد.

۲-۲- شعر دفاع مقدس

دفاع مقدس به عنوان یک پدیده عمومی و اتفاق اجتماعی، نگاه شاعران و هنرمندان مردمی را به سوی خود کشاند. دفاع مقدس و در پی آن ادبیات و شعر دفاع مقدس، ذهنیت غالب هنرمندان متعهد کشور را دگرگون ساخت و در این راه، شکلی عینی به رفتارهای ذهنی و زبانی شاعران بخشید. اشعار این شاعران، مبین جلوه‌های ملموس، حماسه‌ها در میدان‌های نبرد و مبارزه، فداکاری و ایمان روشن رزمندگان اسلام و همچنین توانایی ملتی مقاوم در پاسداری از سرزمین همیشه جاوید ایران است.

شاعرانی که در دوران مبارزاتی انقلاب، همگان را به پایداری در برابر ظلم و استبداد داخلی دعوت می‌کردند؛ اکنون با مورد تهاجم قرار گرفتن کشور و آغاز جنگ

تحمیلی، با تحریک عواطف بر پایداری در برابر دشمن بیگانه تأکید می‌ورزیدند. اشعاری که سخن از «من» فردی نبود؛ آن چه به تصویر کشیده می‌شد، فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌های مدافعان و مبارزانی بود که برای سربلندی و پیروزی «ما»ی جمعی، با شکوه‌ترین حماسه‌ها را در جبهه‌ها می‌آفریدند.

در تعریفی جامع‌تر، شعر دفاع مقدّس «به سروده‌هایی گفته می‌شود که درون مایه و موضوع آن‌ها به مسائل هشت سال دفاع مقدّس و تبعات، پیامدها و ویژگی‌های آن باز می‌گردد» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۵).

۳- اسوه‌های مذهبی

دفاع مقدّس برای ملت ما، ذاتاً ماهیتی مذهبی داشت و جنبه اعتقادی و دینی آن به مراتب از رنگ ملی آن پررنگ‌تر بوده، و در واقع می‌توان گفت، دفاع از عقیده و آرمان‌ها در درجه اول اهمیت قرار گرفت و بعد دفاع از آب و خاک؛ به گونه‌ای که «مدافع جنگ هشت ساله، با ایمان و اعتقاد به خدا و نیروی عظیم و قاهر او ایستادگی می‌کند. اگرچه چاشنی این عشق الهی، موضوعات عام دیگری چون میهن و مردم می‌تواند باشد؛ امّا وجه غالب آن، همین اعتقاد باطنی و نیروی روانی‌ست» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۱۰۵) و پشتوانه آن نیز، دین مبین اسلام همراه با فرهنگ غنی آن می‌باشد.

شاعران دفاع مقدّس، محصول اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی زمانه خویش هستند؛ بنابراین برآمده از اندیشه‌ها و آرمان‌های دینی حاکم در آن دوره‌اند، که به آن اعتقاد دارند و در راه این اعتقاد نیز مبارزه می‌کنند. شاعران، پیامبران و ائمه معصومین را مطابق آرمان دینی و تحولات اجتماعی، رکن اساسی شعر خویش قرار می‌دهند و باعث افزایش گرایش به این الگوها می‌شوند. از آن جایی که این شخصیت‌ها، مظهر و الگوی مبارزانی هستند که در راه میهن و عقایدشان، جان برکف مبارزه کرده‌اند؛ همچنین در قیام‌های خود تا آخر پایدار مانده‌اند؛ بنابراین به انسان، اطمینان نفس و اعتماد لازم را برای مبارزه می‌دهند. شاعران در راستای تعهد خود، در سراسر اشعارشان، مخاطب را به این مهم توجّه می‌دهند، که باید از

این اسوه‌های نکو، سرمشق بگیرند و به آن‌ها اقتدا کنند و ما در ادامه پربسامدترین آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

۳-۱- حضرت هابیل (ع)

هابیل، نام یکی از فرزندان حضرت آدم ابوالبشراست، که به دست برادرش - قایل - کشته شد. نام این دو برادر در قرآن نیامده؛ بلکه به تعبیر «ابنی آدم» از آن دو یاد شده، که خطاب به پیامبر اسلام می‌فرماید: «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ» (مائده/۲۷). «اما در روایات نام آن‌ها بیان شده که نامشان هابیل و قایل بوده» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۹۸-۱۹۶).

شاعران دفاع مقدس، با تلمیح به داستان هابیل و قایل، در حقیقت به جدال تاریخی حق و باطل اشاره می‌کنند. آنان، حقایق انقلاب و رزمندگان را در جایگاه حضرت هابیل قرار می‌دهند. هر چند شاعران، اشراف کامل بر این داستان و سرانجام رویارویی دارند؛ اما بر این عقیده‌اند که باید این بار، قایل را - که نماد ظالمان و دشمن است - به خاک خواری افکنند و انتقام دیرینه هابیل و هابیلیان را - که نماد مظلومان بوده است - بستانند. از جمله این اشعار بیتی از مثنوی عاشواری علی معلم است که این گونه می‌گوید:

من زخم دار تیغ قایلیم، برادر
میراث خوار رنج هابیلیم، برادر!
(معلم، ۱۳۸۵: ۷۹-۷۸)

یا:

از خوان خون گذشتند صبح ظفر سواران
پیغام فتح دارند آن سوی جبهه یاران
هابیلیان کجایید؟ قایل دیگر آمد
ننگ است جان سپردن در دخمه تاران
(مردانی، ۱۳۸۶: ۱۴۸-۱۴۷)

شاعر در شعر فوق، دشمن را قایل زمان می‌داند و رزمندگان را در جلوه هابیل معرفی، و آن‌ها را دعوت به پاکسازی خاک وطن، از وجود متجاوزان می‌کند. او همچنین به مبارزان جبهه‌های نبرد حق علیه باطل همانند بیت ذیل مژده پیروزی می‌دهد.

مژده ای هابیلیان چون دیده تاریخ دید
در پگاه خون، سر قایلین بردارتان
(همان: ۱۵۶-۱۵۵)

و یا شعری از «موسوی گرمارودی» که او نیز مانند دیگر شاعران دفاع مقدّس بر این عقیده است که همهٔ حق‌جویان تاریخ که شهادت حاصل کار آنها شده، وارثان حضرت هاییل^(ع) می‌باشند؛ بنابراین، شاعر، رزمندگان را از تبار حضرت هاییل^(ع) می‌داند و آنها را دعوت به مبارزه می‌کند تا به وسیله شهادت، سرافرازی و جاودانگی ارمغان آورند.

ما از تبار پاک هاییل زمانیم امروز می‌جنگیم تا فردا بمانیم
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۸۱)

۳-۲- حضرت ابراهیم^(ع)

ابراهیم^(ع)، دوّمین پیامبر اولوالعزم است که دارای شریعت و کتاب مستقل بوده است. حضرت ابراهیم^(ع)، جزء شاخص‌ترین اسوه‌های مذهبی است که فرازهای سازنده و گوناگون زندگی سودمند آن حضرت، در ۲۵ سورهٔ قرآن ذکر شده است. این موضوع، بیانگر عنایت خاص قرآن، به زندگی آن حضرت است تا پیروان قرآن آن را بخوانند، و از آن درس‌بزرگ زندگی را بیاموزند.

شاعران دفاع مقدّس، شخصیت‌های مبارز انقلاب و دفاع مقدّس را از جمله، حضرت امام^(ره) و رزمندگان اسلام را که خلیل‌وار بر دل آتش جنگ زدند، تا حقانیت ملت و انقلاب، سرافرازی و سربلندی میهن عزیزمان را در گوش جهانیان فریاد زدند؛ تشبیه به این اسوه می‌کنند و این گونه می‌سرایند:

بیا عاشقی را رعایت کنیم / ز یاران عاشق حکایت کنیم
از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند / سفر بر مدار خطر کرده‌اند...
... بزَن زخم، این مرهم عاشق است / که بی زخم مردن غم عاشق است
بیار آتش کینه، نمرود وار / خلیلیم! ما را به آتش سپار
که پروانه در خلسه - طیّ طریق / به پایان برد بادو بال حریق

(حسینی، ۱۳۸۶: ۲۷)

زندگی حضرت ابراهیم^(ع)، در همه ابعاد، سازنده است و در پیشانی تاریخ می‌درخشد. یکی از جلوه‌های زندگانی آن حضرت، جنبه‌های مبارزاتی آن است. به همین خاطر، همیشه مورد توجه شاعران پایداری بوده است. چنان‌که شاهدیم،

سیدحسن حسینی در این شعر با ابیاتی تهییجی، یاد شهیدانی را که خلیل وار بر دل آتش جبهه‌ها زدند؛ زنده می‌دارد. اودر این شعر، دشمن را خطاب قرار داده و می‌گوید، رزمندگان ما را از آتش تو هراسی نیست، زیرا که رزمندگان ما مانند حضرت ابراهیم^(ع) به سلامت از دل این آتش عبور می‌کنند.

یا:

زنجیره تاریخی این جنگ دور است بیچاره دشمن کی تواند دید، کور است
یک‌روز آتش‌بود و نمرودی‌برافروخت می‌خواست ابراهیم^(ع) سوزدخویشتن سوخت
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۸۲)

شاعر در شعر مذکور، انقلاب و دفاع مقدس را در حقیقت، تداوم بخش حرکت‌های جهادی پیامبران و ائمه معصوم می‌داند. او همچنین، مدعی است که این انقلاب در مسیری گام بر می‌دارد که قبلاً انبیاء و اولیاءالله حرکت کرده‌اند و در حقیقت، ادامه دهنده حرکت انقلابی آنها است.

و یا:

چشم‌هاجر، تاز بی پروایی خنجر گذشت بوسه گاه هاجری، از بوسه خنجر گذشت
شوق اسماعیل را دارد گلوی عاشقان گو بیارد تیغ، ابراهیم^(ع)، از آذر گذشت
شهوته این خاک‌با دریای خون سیراب نیست آفتاب این جا به خون غلتید و از خاور گذشت
(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۷۴)

در این شعر نیز شاهدیم، شاعر رغبت رزمندگان اسلام برای شهادت و حضور مداوم آنها در خطوط مقدم جبهه را به مشتاقی حضرت اسماعیل^(ع) برای حضور در قربانگاه تشبیه می‌کند و آنها را مردانی می‌داند که خلیل وار، در دل آتش حوادث و خطرهای پا می‌گذارد و سربلند از آن بیرون می‌آیند.

۳-۳- حضرت یوسف^(ع)

حضرت یوسف^(ع) فرزند یعقوب پیامبر^(ع) می‌باشد که ایشان نیز از نوادگان حضرت ابراهیم^(ع) محسوب می‌شوند و همچنین حضرت یوسف^(ع) در حسن و جمال بر همه اهل زمان خود زیادت داشت و یعقوب نبی^(ع) نیز او را بسیار دوست می‌داشت (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۸۲). نام حضرت یوسف^(ع) فرزند یعقوب^(ع) ۲۷

بار در قرآن آمده است، و یک سوره قرآن؛ یعنی سوره دوازدهم قرآن به نام سوره یوسف^(ع) می‌باشد.

چه سکر ساده‌ای سحر سبو در جان من دارد که تا شطّ شهادت سیر بالا می‌برد ما را
سحر نقشی ز حیرتخانه چشم نگار ماست کمال حُسن یوسف چون زلیخا می‌برد ما را
(بهداروند، ۱۳۸۶: ۳۲۹)

آری، کمال و زیبایی‌های معنوی خداوند است که چنین عاشقانی را
مجدوب خود کرده است؛ عاشقانی که برای رسیدن به وصال معشوق، با آغوش
باز به استقبال شهادت می‌شتافتند.

سمنند صاعقه زین کن سواره باید رفت به‌عرش شعله سحر، با ستاره باید رفت
شهید زنده تاریخ عشق می‌گوید به دار سرخ انالحق دوباره باید رفت
بگو به یوسف اندیشه، ای پیمبر دل به چاه حادثه، هنگام چاره باید رفت
(اکبری، ۱۳۷۷: ۷۷)

شاعر در ابیاتی که ذکر شد، سوار بر سمنند صاعقه و حرکت به دار سرخ
انالحق را بدون درنگ، تکلیف می‌داند.

و یاشعری از «سید محمد عبّاسیه کهن»:

یعقوب گر به پیرهنی داشت دلخوش از یوسفم نداد به من پیرهن کسی
(تیغ آفتاب، ۱۳۶۵: ۶۷)

شاعر با تلمیح به داستان حضرت یوسف و یعقوب در این بیت اشاره به
شهیدان گمنامی دارد، که از آن‌ها هیچ اثر و نشانی باقی نمانده است.

۳-۴- حضرت موسی^(ع)

حضرت موسی^(ع)، از پیامبران اولوالعزم و ملقب به کلیم الله است و همچنین
موسی بن عمران بن قاهب بن لاوی بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم^(ع) نسب آن
حضرت می‌باشد (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۷۹). نام مبارک حضرت موسی^(ع) ۱۳۶
بار در سوره قرآن آمده که حاکی از عنایت و توجه ویژه قرآن به زندگی آن
حضرت است. شاعران دفاع مقدّس نیز در بیان مقاصد خویش، به این الگو توجه
داشته‌اند از جمله در شعر زیر از «مشفق کاشانی»:

پی مقابله با کافران صدامی سپاه کنده شد از جا به گفته رهبر...
سفر به نیل حقیقت چنانکه شد موسی سفر در آذر همچون خلیل بن آزر
همه مبارز و دشمن گداز و دشمن سوز همه دلاور و یزدان شناس و گندآور
(اولیائی، ۱۳۶۹: ۲۵۵)

حضرت موسی^(ع) الگوی مبارزانی است که در امتحان عبودیت الهی سربلند شدند؛ بنابراین، «کاشانی» در شعر فوق، حضور پرشور رزمندگان را در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل می‌ستاید و با تلمیح به داستان‌های حضرت موسی و حضرت ابراهیم^(ع) احساساتش را نسبت به آنها بیان می‌کند که در اصل با تلمیح شاعرانه به این داستانها، خواهان حضور فعال هم و طنائش در جبهه‌ها با الگوگیری از این شخصیت‌ها می‌باشد.

ای راهیان خطّۀ نـور موسی و شان وادی طور
دریادلان پهنه عشق! روین تنان صحنه عشق
(براتی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۷)

شاعر در این شعر، که آن را به رزمندگان عملیات کربلای ۵ تقدیم کرده است، رزمندگان دلیر اسلام را موسی و شانی می‌نامد، که در وادی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، به دیدار معبود نائل می‌شوند.

وقت است تا برگ سفر، بر باره بندیم دل به عبور از سدّ خار و خاره بندیم
وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است
(سبزواری، ۱۳۸۶: ۲۲۰-۲۱۹)

شاعر در اینیات بالا، قدرت رهبری حضرت امام^(ره)، را در هدایت انقلاب از دل فتنه‌ها و مکر بدخواهان انقلاب، تشبیه به حضرت موسی و گذراندن قوم بنی اسرائیل از دل دریا می‌کند. و یا در شعر ذیل:

به پابوسی ما آفتاب می‌نازد به نام عشق بخواند انبیاء با ما
ز موج خیز خطر فاتحانه می‌گذریم که هست معجزه موسایی و عصا با ما
(مردانی، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۰۸)

شاعران دفاع مقدّس، به اسوه‌های مذهبی دیگری، از جمله حضرت سلیمان^(ع)، حضرت عیسی^(ع) و حضرت نوح^(ع)، نظر داشته‌اند که آن‌ها نیز، دست مایه‌های پربراری برای تصویرسازی شاعر فراهم می‌کنند؛ چرا که آوردن این شخصیت‌ها در مضمون شعر، ذهن مخاطب را به یک واقعه تاریخی مرتبط می‌سازد، که شاعر می‌تواند با عبور از آن واقعه، از اوضاع امروز سخن بگوید؛ ولیکن این اسوه‌ها از بسامد کمتری برخوردار هستند.

۳-۵- حضرت سلیمان^(ع)

یکی از پیامبران بزرگ، که هم دارای مقام نبوت و هم داری حکومت بی‌نظیر و بسیار وسیع بود؛ حضرت سلیمان بن داوود^(ع) است که نام مبارکش هفده بار در قرآن آمده است. ایشان با ده واسطه، به حضرت یعقوب^(ع) می‌رسند و از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل می‌باشد (قدس میر حیدری، ۱۳۸۷: ۳۳۱).

سلیمان^(ع) حکومت وسیعی به دست آورد، که در آن جن و انس، پرندگان و چرندگان و باد، همه تحت فرمان او بودند، او بر سراسر زمین فرمانروایی می‌نمود (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۹۵۸).

حضرت سلیمان^(ع) نیز از دیگر الگوهای مذهبی است که شاعران دفاع مقدّس با عنایت به این شخصیت، در صدد بیان افکار شاعرانه خویش بر می‌آیند؛ به گونه‌ای که در شعر ذیل شاهدیم: «محمدعلی مردانی» با تلمیح به این مقام مذهبی، حضرت امام^(ره) را سلیمانی می‌داند که از شکست‌های پی در پی دشمن خوشحال است.

چنان که از ذکر قرآن جان انسان می‌برد لذّت

ز فرمان خمینی، روح قرآن می‌برد لذّت...

چو حقّ قامت علم سازد گریزان می‌شود باطل

ز نابودی اهریمن، سلیمان می‌برد لذّت

در آن میدان که خون پیروز بر شمشیر می‌گردد

سپاه حقّ، ز محو جند شیطان می‌برد لذّت

(اولیائی، ۱۳۶۹: ۲۴۸)

یا:

لب خود بست و بازوان بگشاد پای در راه عاشقی، بنهاد
هدهدی بود و پیران شد به همین خاطر او سلیمان شد
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۹۱)

آری جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس، میعادگاه عاشقانی شوریده و ولایی
بود که سر بر فرمان امام و مراد خویش، خمینی عزیز نهادند و جاودانه‌هایی
آفریدند و خود، جاودانه شدند.

و یا:

دیروز پر از دردش را، سر کرده به شوق امروز
امروز پریشانش را، قربانی فردا کرده‌ست
انگشتی شیطان را در دست سلیمان دیده‌ست
تعبیر پریشانش را ترسیده و حاشا کرده‌ست
(کاکایی، ۱۳۸۷: ۷۷)

۳-۶- حضرت عیسی^(ع)

حضرت عیسی از پیامبران اولوالعزم که نام مبارکش در قرآن ۲۵ بار به عنوان
عیسی و ۱۳ بار به عنوان مسیح آمده، در زبان عبری به معنی نجات دهنده است
(قدس میر حیدری، ۱۳۸۷: ۳۹۱).

در برخی روایات از آن حضرت، به عنوان آخرین پیامبر قوم بنی اسرائیل یاد
شده است (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۰۹۹-۱۰۹۸).

بیار باره که امشب سوار خواهیم شد
به دور دست گمان رهسپار خواهیم شد
همین ره است که آن مرد، با صلیب گذشت

همین ره است که آن تشنه لب، غریب گذشت

(کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۰)

شاعر دفاع مقدس، برای تحریض به مقاومت، از تمام امکانات اعتقادی و
تاریخی خود یاری می‌طلبد. همان‌طور که شاهدیم در این ابیات، شاعر با یادآوری

جان‌فشانی‌های حضرت عیسی^(ع) و امام حسین^(ع) که در راه آرمان‌های الهی به شهادت رسیده‌اند، سعی در تشویق مخاطب به تاسی از این اسوه‌های ایثار و شهادت دارد.

یا:

رستخیز است و دم‌صور در آفاق بلند حالی این فرقه دنیا زده مدهوشانند
«جذبه» عیسی نشان بهر شفای دل خلق از سرِ خوانِ کرم مائده بردوشانند
(شاهرخی، ۱۳۸۶: ۱۰۸)

در شعر و ادب فارسی به‌ویژه ادبیات دفاع مقدّس، شاعران با پشتوانه‌ای از ایمان به اسلام و به‌ویژه فرهنگ شیعی، اقدام به سرایش شعر می‌کنند؛ بنابراین، پر بسامدترین اسوه‌ها در مضامین شعری آن‌ها پیامبر اکرم^(ص)، ائمه و شخصیت‌های شاخص تاریخ اسلام هستند که گاه با مضامین خاصی چون بعثت، غدیر، عاشورا، انتظار و ... در شعر، تحت عنوان شعر آیینی و شعر ولایی تداعی می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که «تاریخ بارور ادبیات اسلامی - به‌ویژه شیعی - سرشار و لبریز از نمونه‌های درخشان ادبیات آیینی است. توصیف شخصیت و طرح فضایل نبوی، علوی، فاطمی و دیگر پیشوایان تا آخرین آفتاب پنهان امامت، حتی شئون یاران و اصحاب و پیوستگان این خورشیدهای غروب ناپذیر، ادبیات آیینی را سامان می‌دهد. سوگ‌ها و مدیحه‌ها، ترسیم مظلومیت، غربت و رنج‌های این بزرگواران در طول تاریخ و شناساندن آنان در هیئت اسوه و قُدوه، رسالت ادبیات بارور آیینی است» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۳).

۳-۲- پیامبر اکرم (ص)

حضرت محمد^(ص)، آخرین پیامبر در سلسله پیامبران الهی است، که بنیان‌گذار دین اسلام می‌باشند (قمی، ۱۳۷۷: ۶۹). قرآن مجید در مورد آن حضرت می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱). از منظر قرآن، تنها پیامبر اکرم^(ص) اسوه کامل است که می‌توان از سرتاسر زندگی ایشان الگو گرفت و از وی پیروی کرد؛ زیرا

پیامبر^(ص) در بینش، نگرش و عملکردها، نمونه کاملی است که هیچ خطا و اشتباهی در زندگی ایشان نبوده است.

شخصیت والا و سیره انسانی و نبوی پیامبر^(ص)، همواره از کانون‌های مضمون‌آفرینی و تصویرسازی شاعران و نویسندگان، در ادب فارسی و به ویژه شاعران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بوده است. شاعران دفاع مقدس، به مناسبت‌های گوناگون به تکریم آن اسوه حسنه پرداخته‌اند؛ ولیکن شاخص‌ترین آن‌ها، شعرهایی است که شخصیت پیامبر را به عنوان الگوی مبارزاتی، برای رزمندگان معرفی می‌کند.

غزوه بدر و حنین و خندق و خیبر به چشم
امتیاز حق ز ناحق بود و در تکرار باد
خاک مصطفی و آن گاه رجس اهل کفر
سجده گاه پاکدینان از این اقدار باد

ذر ذهاب بی‌ایاب دشمنان از خاکت
مذهب مختارتان از احمد مختار باد

(امیری فیروز کوهی، ۱۳۶۹: ۹۲)

در اغلب اشعار شاعران دفاع مقدس، شخصیت پیامبر^(ص)، برای رزمندگان و سربازان اسلام، الگو و سمبل جهاد و مبارزه با کافران است که رزمندگان با تاسی به شخصیت جهادی پیامبر^(ص) میهن را از وجود دشمن پاک می‌کنند. از جمله این اشعار، شعری از سلمان هراتی است:

... تا کوه دور حرا
پیغمبری به بار نشست
بیابه جبهه، به کوه برویم!
شتاب کن، آقای عادت!...

(هراتی، ۱۳۸۶: ۱۰۱)

یا:

این جا که من ایستاده‌ام

بامی از روشنایی‌ست
و روبه روی من خیابانی
که با کاروان‌های «به کربلا می‌رویم»
ادامه می‌یابد...
...در نگاه‌شان
دگرذیسی گل سرخ را می‌شنوم
و گرایش حادّ آفتاب گردان را
به محمّدی شدن
از سبز این درختان خوش رفتار
می‌فهمم
بهار از تبار محمّد است
و جهان
به تدریج در قلمرو این بهار
گام می‌زند

(همان: ۱۸۲-۱۸۱)

در این شعر، مبارزان به صفت گل محمّدی، متّصف می‌شوند. در حالی که گل محمّدی، سمبل صلح و صفا است و این مبارزان، در راه پیامبر^(ص)، قدم می‌گذارند تا صلح و آرامش به ارمغان آورند. باید به‌طور کلی بگوییم در این اشعار، عملکردهای پیامبر در تأسیس مکتب اسلام و به تأسی از آن، جمهوری اسلامی و نیز جهاد بر ضد منکران و کافران مورد توجّه است.

و یا شاهدهی دیگر:

بخشایش دم به دم بود هر خوان که او بنهاد

تندیس قهر و ستم بود هر بت که او بشکست

(بهبهانی، ۱۳۸۳: ۹۵۹)

۳-۸- حضرت علی (ع)

امام اوّل شیعیان، در روز ۱۳ رجب سال سی عام الفیل، پای به عرصه وجود گذاشت (قمی، ۱۳۷۷: ۶۹) و در دامان پیامبر، رشد و نمو نمود به گونه‌ای که بعد از رسول الله، اکمل و افضل مردم بود و فضایل ایشان، در هیچ کتاب ننگند.

شاعران در طول تاریخ به عناوین و مناسبت‌های مختلف ارادت خود را به حضرت نشان داده‌اند. جامعه و انقلاب ما نیز به خاطر شیعی بودن، همیشه به حضرت علی (ع) و الگوگیری از زندگی این شخصیت بی‌نظیر، به خود بالیده و افتخار کرده است. در دوران دفاع مقدس نیز از مهم‌ترین مصراع‌های جذاب شعر فراخوان مردم، حضرت علی (ع) و یادآوری دوران حکومت ایشان بوده است.

ابعاد شخصیت حضرت علی (ع) در شعر دفاع مقدس شامل، مدح و منقبت، مرثیه و اشعاریست که حوادث زندگی مبارک ایشان از جمله غدیر، ماجرای خیبر و... اشاره می‌کند؛ اما یکی از برجسته‌ترین ابعاد آن اشعاری است که حضرت را به عنوان نماد و سمبل مبارزه با ظلم، ستم، جهاد و براننده رایت عدل و مساوات معرفی می‌کند که ما در ادامه شواهدی از این بعد، برای نمونه ذکر می‌کنیم.

دلیرانه بر شط «کارون» زدند نه بر آب، بر موجی از خون زدند
به پیکار با شیوه حیدری گشودند تا باره خیبری
همه سایه با سایه ذولفقار که شد غیرت از تیغشان آشکار
(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۹۳-۱۹۲)

در شعری که ذکر شد، حضرت سمبل و اسوه جهاد و مبارزه با ظلم و ستم، برای مبارزان و رزمندگانی است که علی‌وار در راه آرمان‌هایشان، جان برکف مبارزه می‌کنند. و یا در بیت زیر:

ای علی صولت ضربتی دیگر بازویست نازم، نوبت یاریست
(شاهرخی، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

و یا:

به نام علی به پهنه رو آوردیم بر خصم شکست، سو به سو آوردیم
هر چند که قطره قطره خون بخشیدیم صهبای ظفر سبوسبو آوردیم
(سبزواری، ۱۳۸۶: ۱۳)

شعر بالا، اشاره به عملیات‌هایی دارد، که نام حضرت به عنوان رمز عملیات‌ها بکار می‌رفته است. در اصل شجاعت، استقامت و صلابتی که نیروهای رزمنده، و

فرزندان این مرز و بوم در طول جنگ از خود نشان دادند، شیوه‌ای است که از آن حضرت آموخته‌اند و در این راه دلاورانه مبارزه کرده‌اند.

جنگ جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم

صف این دشمن دیوانه میهن شکنیم

در افسانه‌های قلعه شیطان بزرگ

چون علی فاتح خیبر شکن تن شکنیم

(مردانی، ۱۳۸۶: ۲۰۵)

هدف شاعر از بیان این اشعار، تهییج توده مردم و بسیج نیروها علیه دشمن است. شاعر، ضمن تهییج و تحریک، با تکیه بر فرهنگ اسلامی و شیعی، با یادآوری حماسه آفرینی‌های آن حضرت و ارزش شهادت و فداکاری، مخاطب را به مقاومت، دفاع از وطن و آرمان‌های انقلاب، با تاسی به آن حضرت دعوت می‌کند.

۳-۹- حضرت فاطمه زهرا (س)

حضرت فاطمه زهرا (س)، دختر گرامی پیامبر اکرم (ص) و خدیجه کبری، در بیستم جمادی‌الثانی سال پنجم بعثت، در مکه مکرمه چشم به دنیا گشود (قمی، ۱۳۷۷: ۶۹).

با توجه به مضامین احادیث نبوی، فاطمه (س) در نزد مسلمانان، برترین و والامقام‌ترین بانوی جهان، در تمام قرون و اعصار می‌باشد. دلیل این مدعا، زندگانی سراسر روحانی آن حضرت و آیات متعددی است که در بیان شأن و مقام حضرت نازل گردیده است؛ از آن جمله می‌توان به آیه تطهیر، آیه مباحله، آیات آغازین سوره دهر، سوره کوثر، آیه اعطای حق ذی القربی و ... اشاره نمود که تأکیدی بر مقام عمیق آن حضرت، در نزد خداوند است (همان: ۱۸۰-۱۷۶).

در دوران دفاع مقدّس، ذکر و یاد ائمه، همیشه قوت قلب رزمندگان غیور اسلام بوده است و گواه این مطلب، نامگذاری عملیات‌هایی است که با نام این بزرگان مزین بود و رزمندگان نیز با توسّل به این عزیزان، به پیروزی‌های چشمگیری دست می‌یافتند؛ همچنین این مطلب از موضوعاتی است که مضمون

شعری شاعران دفاع مقدس قرار گرفته است که در ذیل به عنوان شاهد، شعری از «علیرضا قزوه» می آوریم .

بچه‌های یا علی در کربلای هشت و چار

تا خدا پل می‌زدند از روی سیم خاردار

بچه‌های یا محمد، یا علی، یافاطمه

بچه‌های بی‌محابا، لشکر بی‌واهمه

(هفتمین فصل غزل، ۱۳۷۷: ۱۰۴)

شعر فاطمی که پیرامون زندگی، سیره و شخصیت حضرت فاطمه^(س) است، بعد از انقلاب و به‌ویژه در شعر دفاع مقدس، رشد قابل توجهی داشته است و این شاعران، سیمای حضرت زهرا^(س) را در تعابیر و تصاویر متعدد و متنوعی منعکس کرده‌اند.

پاکی سرشته‌ست، در فطرت او قرآن گواه است، بر عصمت او...
ای زن به اخلاص، در راه او باش گمراه جویی، او رهبر توست
گنجینه لطف، آن آیت حق فرزند احمد پیغمبر توست!
(کی منش، ۱۳۸۶: ۳۸۱-۳۸۰)

در ابیاتی که ذکر شد؛ شاعر این اشعار را در منقبت حضرت سروده است. او همچنین، جامعه زنان را در دعوت به الگوگیری از این شخصیت بزرگ و زندگی هر چند کوتاه، اما پر بار و سرشار از معرفت ایشان می‌کند.

صدایی به رنگ صدای تو نیست به جز عشق نامی برای تو نیست
مزار تو بی‌مرز و بی‌انتهاست تو پاکی و این خاک، جای تو نیست
به تشییع زخم تو آمد بهار که جز سبز، رخت عزای تو نیست
(امین پور، ۱۳۷۷: ۱۳۹)

شاعر در این شعر، رنگ سبز را عزای حضرت فاطمه^(س) معرفی می‌کند که رنگ زندگی و حرکت است، پس با هنر شاعرانه، بیان می‌کند که راه آن حضرت ادامه دارد. شاعر حتی حضرت را فراتر از زمان و حد و اندازه زمین و زمینیان می‌داند؛ برای همین است که آن حضرت، فاقد قبر و آرامگاه است.

اساس زمین و زمان فاطمه^(س) فراتر زهفت آسمان، فاطمه
 غلامیت مهر و کنیزیت ماه شب و روز بر آستان، فاطمه!
 به درگه تو را کیست شیطان؟ سگی زنامحرمان پاسبان، فاطمه!...
 ...از این برتر اندیشه بر نگذرد تویی برترین بی‌نشان فاطمه
 نبودی اگر بیم جان، گفتمی تو را کدخدای جهان فاطمه
 (میرشکاک، ۱۳۸۸: ۳۷۲-۳۷۰)

شاعر در ابیات فوق، از بزرگی و عظمت حضرت فاطمه^(س)، یاد کرده و آن حضرت را اساس زمین و زمان معرفی می‌کند. او همچنین در ادامه، از پاکی و معصومیت حضرت سخن می‌گوید و ایشان را کدخدای بدون نشان - مرقد - معرفی می‌کند.

۳-۱۰-۱- اسوه‌های مؤثر قیام عاشورا

نهضت عاشورا، سرلوحه بسیاری از نیکی‌ها، فضایل و افتخارات است که در طول تاریخ سرمشقی برای تمام مردان آزاده تاریخ شد تا به آن اقتدا کنند و درس‌هایی چون عزت‌مندی و عزت‌مداری از آن بیاموزند. در دوران دفاع مقدّس به خاطر بار ایدئولوژیکی و مکتبی که در قیام عاشورا وجود داشت و از «سویی از آن جا که شاعران رویارویی خاصی میان حق و باطل احساس می‌کردند؛ برای تصویرگری شاعرانه آن در تاریخ اسلام، در جست‌جوی وقایعی مشابه آن بودند و البته در این میان، واقعه عاشورا بهترین نماد از این رویارویی به نظر می‌آمد» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۴۱). بنابراین بیشترین حجم شعری سروده شده در این زمینه وجود دارد که اغلب شاعران به نمادهای حماسی عاشورا در اشعار خود اشاره می‌کنند.

۳-۱۰-۱-۱- امام حسین^(ع)

حسین بن علی^(ع)، پسر دوّم حضرت علی^(ع) و فاطمه^(س)، امام سوّم شیعیان است. آن حضرت در سوّم شعبان ۴ هجری قمری، در مدینه متولّد شدند و در ۱۰ محرم ۶۱ هجری در کربلا، واقع در عراق کنونی در نبرد کربلا به شهادت رسیدند و الگوی آزاد مردان جهان شدند (قمی، ۱۳۷۷: ۳۶۱ و ۵۰۲).

امام حسین^(ع) به عنوان رهبر قیام عاشورا، در صدر توجّه شاعران به شخصیت‌های عاشورایی قرار دارد. از برجسته‌ترین جلوه‌های عاشورا در شعر دفاع مقدّس، اشعاری است که در پیوند حماسه هشت سال دفاع مقدّس، با عاشورای حسینی سروده شده‌اند و عمدتاً شاعران در این اشعار، امام حسین^(ع) و قیام ایشان را الگوی مبارزاتی و عقیدتی رزمندگان اسلام در طول جنگ و بعد آن ذکر می‌کنند.
ره ما راه حسین^(ع) است که در شام قرون

هیبت ظلمتیان با دم روشن شکنیم

با چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم

ما به نیروی یقین لشکر آهن شکنیم

(مردانی، ۱۳۸۶: ۲۰۵)

شاعر در این شعر، حضرت سیدالشهدا را مقتدای همه رزمندگانی بیان می‌کند که در دفاع از اسلام و آرمان‌هایشان جان بر کف مبارزه می‌کنند و مدّعی می‌شود که با این شور حسینی که رزمندگان دارند؛ دشمن قطعاً ذلیلانه مغلوب و از خاک میهن بیرون رانده می‌شود.

از چه پیوند و تبارید، دلیران بسیج که کس از خلق جهان نیست به هنجار شما
پیرو راه حسینید به آئین وفا باشد آن مظهر حقّ قافله سالار شما

(شاهرخی، ۱۳۸۶: ۱۱۵-۱۱۴)

و یا:

عالم همه خاک کربلا بایدمان پیوسته به لب خدا! خدا! بایدمان
تا پاک شود زمین ز ابنای یزید همواره حسین^(ع) مقتدا بایدمان

(حسینی، ۱۳۸۶: ۴۷)

شاعر در این رباعی، با توجّه به فرهنگ حاکم بر جبهه‌ها، حضرت امام حسین^(ع) را اسوه مبارزاتی مردم و رزمندگان معرفی می‌نماید و دستور تطهیر زمین از ابنای یزید را با توسّل و پیروی آن حضرت صادر می‌کند.

و یا شاهدی دیگر:

بکش شمشیر ایمان را بزن راه پلیدان را به‌چنگال جهان‌خوارن فرو کن خنجری دیگر
هم آواز خمینی شو زجان و دل حسینی شو بزن در عرصه‌ عالم صلاهی محشری دیگر
(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱)

حجم قابل توجهی از اشعار شاعران دفاع مقدّس، پیرامون امام حسین^(ع) - به‌عنوان اصلی‌ترین نماد حماسه‌دینی - سروده شده است. در این اشعار، حضرت و فضایل ایشان، دست‌مایه خلق تصاویر حماسی و شهادت‌طلبانه بسیاری شده است به‌گونه‌ای که امام حسین^(ع) به‌عنوان الگو و اسوه‌ای برای ارزش‌هایی چون: مرگ سرخ‌سازش ناپذیر، عدم بیعت با ستم و ستمگران و اعتقاد به مبارزه به‌عنوان یک وظیفه دینی معرفی شده است.

۳-۱۰-۲- حضرت ابوالفضل^(ع)

عباس بن علی^(ع)، در سال ۲۶ هجری قمری، در مدینه دیده به جهان گشود (قمی، ۱۳۷۷: ۴۸۶). وی در دامن امیرالمؤمنین علی^(ع) و مادر گرامیشان به‌گونه‌ای پرورش یافت که به‌مظهر غیرت، ایثار و شجاعت بدل گشت. عباس بن علی^(ع) در طول حیات خویش، از محضر پدر و برادرانش، بیشترین بهره را برد و جامع فضایل نیکو گردید. حضرت ابوالفضل^(ع) هر چه از محضر آن سه امام معصوم آموخته بود؛ در کربلا آشکار ساخت و حماسه‌ساز نام آور عاشورای حسینی شد.

تاریخ، روشن از کرامت‌های حضرت ابوالفضل^(ع) و نام ایشان با وفا، ادب، ایثار، شجاعت و جانبازی همراه است. یکی از مضمون‌سازترین سوژه‌های عاشورا، شهادت حضرت عباس^(ع) است. شاعران دفاع مقدّس، با نگرش حماسی به شهادت آن بزرگوار، عظمت و بزرگواری آن حضرت را بیان می‌کنند.

شاعران دفاع مقدّس سعی کرده‌اند، بین آن حضرت و دلاور مردان انقلاب و جنگ، پلی بزنند؛ بنابراین، در بسیاری از اشعار دفاع مقدّس، شاعران رزمندگان را تشویق به الگوگیری از حضرت ابوالفضل^(ع)، و حماسه‌سازی در جبهه‌های نبرد حقّ علیه باطل دعوت می‌کنند. از جمله:

بشتاب برادر دلیرم! بشتاب عباس تویی، تازه فراتی دریاب!
چون بود شهید عشق در کرب و بلا لب تشنه لبیک، نه لب تشنه آب

(حسینی، ۱۳۸۶: ۴۹)

و در سوگ سروده ذیل که احمد عزیزی آن را تقدیم به شهید اسلام،
مصطفی چمران نموده است؛ شهید چمران را عباس کرب و بلای ایران معرفی
می کند و این گونه می سراید:

الا ای علمدار حزب الهی بهین تر سپهدار حزب الهی
ابوالفضل کرب و بلای جنوب خور رفته در چاهسار غروب
(اکبری، ۱۳۷۷: ۱۳۶)

و یا:

جاده و اسب مهیاست، بیا تا برویم کربلا منتظر ماست، بیا تا برویم
...از سراسیمی تردید اگر برگردیم عرش زیر قدم ماست، بیا تا برویم
دست عباس^(ع) به خونخواهی آب آمده است آتش معرکه برپاست، بیا تا برویم
(حسینجانی، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۷)

شاعر در شعر بالا، با الگوگیری از حادثه عاشورا و شخصیت حضرت
عباس^(ع) سعی در ترغیب رزمندگان و مردم برای حضور در جبهه ها و پایداری در
جنگ را دارد.

در حریم عشق بازی، دست و پا گم کرده ام عاشقم خود را به بوی آشنا گم کرده ام...
...ارمغانی بود ناقابل به اسلام عزیز آن چه من مستانه در راه خدا گم کرده ام
از علمدار رشید عاشقان آموختم دست و پای گر به عشق کربلا گم کرده ام
(طهماسبی، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۵۹)

۳-۱۰-۳- حضرت زینب^(س)

حضرت زینب^(س)، دختر گرامی حضرت امام علی^(ع) و حضرت فاطمه^(س)
است. «آن بزرگوار در پنجم جمادی الاولی سال پنجم هجرت در مدینه متولد
شد و در خانواده عصمت و طهارت رشد کرد» (محمّدزاده، ۱۳۸۳: ۴۱). نسب
نبوی، تربیت علوی، و لطف خداوندی از وی، فردی با خصوصیات و صفات
برجسته ساخته بود.

مسلم است، که قیام و حرکت امام حسین^(ع) با آن اهمیّت، بدون حضرت
زینب^(س) و نقش وی نتیجه نمی داد. اشاره به عوامل ماندگاری قیام امام حسین^(ع) و

تحلیل آن بر اساس نقش آن حضرت در این انقلاب، از عمده‌ترین نگرش‌ها به شخصیت حضرت در شعر دفاع مقدّس می‌باشد. شاعران، دیگر شخصیت یک زن مظلوم و مصیبت دیده را که به اسارت درآمده، به نمایش نمی‌گذارند و در یک تحلیل حماسی، این مفهوم را ارائه می‌دهند که اگر شخصیت حماسی حضرت نبود، حقیقت عاشورا آشکار نمی‌شد و خون امام حسین و یارانش به هدر و فریاد مظلومیت امام حسین^(ع) و اصحابش به فراموشی سپرده می‌شد. یکی از بهترین اشعار با این مضمون، شعری است از شاعر توانمند کشورمان قادر طهماسبی، که چند بیتی از آن را ذکر می‌کنیم:

سرّ نی در نیوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود
چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان در کویر تفته جا می‌ماند اگر زینب نبود...
...در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب پشت کوه فتنه، وا می‌ماند اگر زینب نبود
(طهماسبی، ۱۳۸۷: ۲۵۰-۲۴۹)

شاعر در این شعر، به نقش سازنده حضرت توجه ویژه دارد و شکوه حضرت را می‌ستاید. او همچنین، قیام عاشورا را الگوی انقلاب ایران معرفی می‌کند و حضرت زینب^(س)، به عنوان حامل پیام عاشورا، در احیای این پیام نقش مؤثری دارد.

زینب^(س) نه، امیر کاروان شهداست او حنجر گویای زبان شهداست
هفتاد و دو، نقش غرق خون، افتاده است یک سرو به پای، در میان شهداست
(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۳۷)

و یا:

با زمزمه سرود یارب رفتند چون تیر شهاب در دل شب رفتند
تا زنده شود رسالت خون حسین^(ع) به نام شکوهمند زینب رفتند
(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴۹)

در شعری که ذکر شد، اشاره به علمیات‌هایی دارد که با نام حضرت شروع می‌شد و رزمندگان با امداد و توسل جستن از نام مبارک حضرت، به مقابله با دشمن می‌شتافتند.

در این میان شعرهایی نیز وجود دارد، که به پویندگی، جاودانگی و ادامه داشتن راه و رسالت حضرت زینب^(س) اشاره دارد:

ای دشت‌های محو مقابل
اعماق بی ترحم و تاریک!
ای اتفاق گرم
با ما بگو
زینب^(س) کجا گریست
زینب^(س) کجا به خاک فشاند
بذر سبز؟

(همان: ۲۳۷)

از دیگر شخصیت‌های برجسته عاشورایی که آنها نیز مضمون شعر شاعران دفاع مقدس قرار گرفته‌اند، می‌توان به حضرت علی اکبر^(ع)، حضرت علی اصغر^(ع)، حرّ و... اشاره کرد که نسبت به دیگر شخصیت‌های جریان ساز عاشورا از بسامد کمتری برخوردار می‌باشند.

۳-۱۱- امام رضا^(ع)

علی بن موسی الرضا^(ع) - هشتمین امام شیعیان - در یازده ذی القعدة سال ۱۴۸ هجری، در شهر مدینه به دنیا آمد. تکتم مادر ایشان، نام وی را علی نامید که بعداً کنیه ابوالحسن و به لقب رضا خوانده شد. امام رضا در ۳۵ سالگی بعد از شهادت پدر، عهده‌دار مسئولیت امامت و رهبری شیعیان گردید (قمی، ۱۳۷۷: ۹۰۰-۸۹۹).

زندگی پربار امام رضا^(ع) که از دانشمندترین و عابدترین مردم عهد خود بود؛ صرف تعلیم و بیان حقایق اسلام، تصحیح فرهنگ دینی مسلمانان، مبارزه با مستکبران و خلفای غاصب، حمایت از مستضعفان و محرومان و رهبری نیروهای انقلاب تشیع گردید. امام، مدت بیست سال، به وظایف الهی و اجتماعی خود عمل نمود و در ابلاغ کلمه حق، سخت کوشید. «امام رضا^(ع)، سرانجام پس از سال‌ها مبارزه و تلاش فراوان، در سال ۲۰۳ هجری، در آخر ماه صفر، به دست مأمون عباسی مسموم و شهید شدند» (همان: ۹۶۴).

حضور حضرت رضا^(ع)، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی شعر آیینی، مذهبی و شیعی دارای پیشینه طولانی است. شاعران در ادوار مختلف، اشعاری در مدح و رثای حضرت سروده‌اند؛ اما این حضور، از بعد از انقلاب و خصوصاً در ادبیات دفاع مقدّس، پر رنگ‌تر و چشم‌گیرتر شده است.

تو امامی!

هستی با تو قیام می‌کند

درختان به تو اقتدا می‌کنند

کاینات به نماز تو ایستاده

و مهربانی

تکبیر گوی توست

عشق

به نماز تو

قامت بسته است

تاریخ چون به تو می‌رسد

طواف می‌کند

عرفان در ایستگاه حرّمت

پیاده می‌شود... (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۶۱)

در ایّات بالا، شاعر در تشبیهی زیبا، امام رضا^(ع) را به امام جماعتی تشبیه می‌کند که همه هستی و کائنات در سجود به پروردگار عالم، به ایشان اقتدا می‌کنند. و یا غزلی استوار در مدح امام رضا^(ع) از قیصر امین‌پور که ابیاتی از آن ذکر می‌کنیم:

چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند
...از نشابور بر موجی از لا‌گذشتی
موج‌های پریشان تو را می‌شناسند...
ای که امواج طوفان تو را می‌شناسند
اینک ای خوب، فصل غریبی سرآمد
چون تمام غریبان تو را می‌شناسند
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۰۸)

و یا شاهدی دیگر:

دل همه رم خورده‌ست، آهوی شماست جان‌های جهان گم شده کوی شماست
محتاج به گریه نیست بخشایش‌تان این اشک هم از خجالت روی شماست
(شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

در شعری که ذکر شد تلمیحی به داستان ضمانت آهو توسط امام رضا^(ع) دارد. شاعر دل‌های عاشقان آن حضرت را آهویی می‌داند که به حریم آن حضرت پناهنده شده‌اند و محتاج لطف و عنایت حضرت به آن‌هاست. بخشایشی که احتیاج به گریه زاری هم ندارد.
۳-۱۲- حضرت مهدی^(عج)

آخرین امام شیعیان، در سپیده‌دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق در سامرا، دیده به جهان گشود. پدر گرامی ایشان، حضرت امام حسن عسکری^(ع) و مادر ایشان، بانویی شایسته به نام نرجس است (قمی، ۱۳۷۷: ۱۰۹۳).

حضرت مهدی^(ع)، در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ه.ق، پس از شهادت پدر، در سن ۵ سالگی به مقام امامت رسید. آن حضرت، به امر خداوند دارای دو غیبت بود و مدت غیبت صغری که نواب مخصوص حضرت از جانب ایشان مامور به نیابت بودند؛ قریب ۷۴ سال است و غیبت کبری، از سال ۳۲۹ ه.ق شروع شد و تا زمان ظهور آقا ادامه دارد (همان: ۱۱۹۹).

در طول تاریخ، مسأله موعود یکی از مضامین و موضوعات بکار رفته در شعر بوده است. ولی بعد از انقلاب، حوزه شعر مهدویت بسیار گسترده شد و شاعران، از منظرهای گوناگون به این مسأله نظر کرده‌اند. در شعر دفاع مقدس، علاوه بر مولودیه‌ها و منقبت‌ها، اشعاری که در مفهوم انتظار سروده شده‌اند بیشترین استقبال را در بین شاعران برخوردار بوده است؛ از جمله شعری از «یوسفعلی میرشکاک» که به عنوان شاهد آورده‌ایم:

تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو

بین باقی ست روی لحظه‌هایم جای پای تو

اگر کافر، اگر مؤمن، به دنبال صدای تو

چرا دست از سر من بر نمی‌دارد هوای تو

صدایم از تو خواهد بود اگر برگردی ای موعود
پر از داغ شقایق‌هاست، آوازم برای تو
تو را من با تمام انتظارم جست‌جو کردم
کدامین جاده امشب می‌گذارد سربه‌پای تو؟

(میرجعفری، ۱۳۷۶: ۹۲)

انتظار همیشه جاری است، زلال و شفاف. شاعر در این ابیات، عاشق معشوق است و جذبه و کشش بالای معشوق، شاعر را به جستجو واداشته است. شاعر لحظه‌لحظه خود را در جستجوی معشوق است و منتظر اوست. این‌گونه نگرش به انتظار- که منتظر باید برای آمدن موعود تلاش کند- در شعر شاعران دفاع مقدّس، به‌خوبی مشهود است و تقریباً اکثر شعرا بر این موضوع در شعر خود تأکید دارند.

باید مجهّز در حرکت باشیم

که انتظار

یعنی آماده باش

آماده باید باشیم

و اهل عمل

باید رسیده‌های نکوخواهی

خوبی

گره‌گشایی را

برای نثار

در پیشواز مقدّم موعود

در دست داشته باشیم...

(صفارزاده، ۱۳۸۷: ۳۱۴)

شاعر در شعر فوق به ما گوشزد می‌کند که در انتظار، رخوت، سستی و سکون جای ندارد و عاشق واقعی، کسی است که خودش را برای آمدن موعود اصلاح کرده باشد.

ای از تو جمع فاصله شوریدگان بین کار جهان ز فتنه ایام درهم است
بنگر بنای مردمی و مهر گشته سست ای آن که پشت ملک بقا از تو محکم است
باز آی ای طیب روان‌های بی‌قرار بر خستگان غم‌زده لطف تو مرهم است
(مردانی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۹۹)

انتظار و فراق، تحقق وعده الهی در ظهور منجی و برچیده شدن بساط ظلم و تباهی از گستره عالم خاکی، شالوده اصلی شعر انتظار را تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که انگیزه‌های امیدبخش سیاسی، اجتماعی و آرمانی در این عناصر به هم گره می‌خورد و شاعران در آرزوی آن آینده و آرمان شهر وعده شده هستند.

شبی بانسیم سحر خواهد آمد گل از پرده روزی، به در خواهد آمد...
چراغ هدایت، فروغ ولایت ز ره، مهدی (عج) منتظر خواهد آمد
(کی منش، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۳)

و یا

فریاد استغاثه مهدی بیاشینو کز ره رسیده‌اند شهیدان کوه صبح
در شعله‌ریز حادثه، خیل ستارگان مردند تا که زنده شود آبروی صبح
دل‌ها ز فرط هجمه اندوه شب گرفت کی می‌رسد سوار مظفر ز سوی صبح
(رحمدل شرفشاده، ۱۳۸۵: ۵۱)

شاعر در شعر فوق «ستارگان» را استعاره از شهدای اسلام گرفته و «شب» را استعاره از جور حاکم و همچنین با به کارگیری استعاره «سوار مظفر» به جای حضرت مهدی (عج) اشتیاق خود را برای ظهور هر چه سریعتر آن حضرت، ابراز داشته است (تاج بخش، ۱۳۸۹: ۷۸).

۴- نتیجه

از مطالعه و بررسی اشعار شاعران مطرح دفاع مقدس، این نتایج حاصل می‌شود که شاعران در اقامه دلیل برای اثبات حقایق ما در جنگ، اقدام به گسترش مبانی اعتقادی دینی و شیعی می‌کنند که این تلاش منجر به تشویق مخاطب در تاسی از این الگوها می‌شود. شاعران در اقامه این براهین از کلیه ظرفیت‌های دینی، همراه

با ظرفیت‌های زیبایی و فرهنگی استفاده می‌کنند. شاعران دفاع مقدّس، در دل تاریخ اسلام کندوکاو می‌کردند و از صفحات آن الهام می‌گرفتند تا بتوانند سرچشمه نیروی راستین ملت، یعنی پایداری ایشان را به آنها نشان دهند. آنها فلسفه تاریخ و گذشته را با مسأله روز درهم آمیختند و نگرشی نو از آن به وجود آوردند که در این میان فلسفه تاریخ عاشورا و الهام از آن، در اشعار شاعران دفاع مقدّس سهم بسزایی داراست؛ به گونه‌ای که بیشترین حجم اشعاری که مضمون آن اسوه‌های دینی است، مربوط به نهضت عاشورا و اسوه‌های حماسه‌ساز آن است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن منظور الافریقی المصری، جمال الدین محمدبن مکرم، ۱۳۶۳، **لسان العرب**، قم: انتشارات ادب‌الخوره.
- ۳- اسرافیلی، حسین، ۱۳۸۶، **رذ پای صدا**، تهران: نشر تکا.
- ۴- اکبری، منوچهر، ۱۳۷۱، **نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی**، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۵- امیری فیروزکوهی، کریم، ۱۳۶۹، **دیوان**، ج دوم، تهران: چ سوم، انتشارات افق.
- ۶- امین پور، قیصر، ۱۳۸۸، **مجموعه کامل اشعار**، تهران: چ سوم، انتشارات مروارید.
- ۷- اولیائی، مصطفی، ۱۳۶۹، **تذکره شعرای معاصر**، اراک: انتشارات جهاد دانشگاهی اراک.
- ۸- براتی‌پور، عباس، ۱۳۸۷، **تا طلوع گل سرخ**، تهران: نشر تکا.
- ۹- بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس، ۱۳۷۷، **هفتمین فصل غزل**، مجموعه شعر دفاع مقدّس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس معاونت ادبیات و انتشارات.
- ۱۰- بهبهانی، سیمین، ۱۳۸۲، **مجموعه اشعار**، تهران: انتشارات نگاه.
- ۱۱- بهداروند، اکبر، ۱۳۸۶، **شهربانو و خاکسترهای سرد**، تهران: نشر تکا.
- ۱۲- -----، ۱۳۷۸، **تا صبح اشراق**، گزینه شعر در منقبت و سوگ حضرت امام خمینی^(ره)، تهران: انتشارات تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- ۱۳- -----، ۱۳۶۵، **تیغ آفتاب**، مجموعه آثار و ارزش‌های دفاع مقدّس، دفتر هفتم، معاونت تبلیغات و انتشارات نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه.

- ۱۴- تاج‌بخش و گنجی بیجارپس، پروین و خدیجه، ۱۳۸۹، «**رحمدل و اسوه‌های پایداری**»، نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره دوم، بهار.
- ۱۵- حسینجانی، ابوالقاسم، ۱۳۷۸، **گزیده ادبیات معاصر**، تهران: انتشارات نیستان.
- ۱۶- حسینی، سیدحسن، ۱۳۸۶، **شاعری در شعر**، تهران: نشر تکا.
- ۱۷- حسینی، سیدحسن، ۱۳۸۸، **هم صدا با خلق اسماعیل**، تهران: چ پنجم، انتشارات سوره مهر.
- ۱۸- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، **لغت نامه**، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: چ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- رحمدل شرفشادهی، غلامرضا، ۱۳۸۵، **ما ایستاده‌ایم**، رشت: انتشارات حرف نو.
- ۲۰- رسولی محلاتی، سیدهاشم، ۱۳۶۹، **زندگی حضرت زهرا(س) و دختران آن حضرت**، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- ۲۱- سبزواری، حمید، ۱۳۸۶، **تو عاشقانه سفر کن**، تهران: نشر تکا.
- ۲۲- سنگری، محمدرضاء، ۱۳۸۵، **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس**، تهران: چ دوم، انتشارات پالیزان.
- ۲۳- شاهرخی، محمود، ۱۳۸۶، **اعجاز درد**، تهران: نشر تکا.
- ۲۴- شفیعی، سیدضیاءالدین، ۱۳۸۷، **خیال‌های شهری**، تهران: نشر تکا.
- ۲۵- صفارزاده، طاهره، ۱۳۸۷، **طنین بیداری**، تهران: نشر تکا.
- ۲۶- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۶، **تفسیر المیزان**، تهران: چ ۹، انتشارات محمدی.
- ۲۷- طهماسبی، قادر، ۱۳۸۷، **تورینه**، تهران: نشر تکا.
- ۲۸- قدس میر حیدری، سید جعفر، ۱۳۸۷، **تاریخ انبیاء(قصص القرآن)**، تهران: چ سوم، انتشارات تهران.
- ۲۹- قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۷، **منتهی الامال (زندگی چهارده معصوم)**، تهران: انتشارات بهزاد.
- ۳۰- کاظمی، محمد کاظم، ۱۳۸۸، **کفران**، تهران: نشر تکا.
- ۳۱- کاکایی، عبدالجبار، ۱۳۸۰، **بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان**، تهران: انتشارات پالیزان.
- ۳۲- کاکایی، عبدالجبار، ۱۳۸۷، **حق با صدای توست**، تهران: نشر تکا.
- ۳۳- کی منش، عباس، ۱۳۸۶، **کهکشان آبی**، تهران: نشر تکا.
- ۳۴- مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۹، **حیوة القلوب (تاریخ پیامبران)**، ج ۱ و ۲، قم: انتشارات عصر ظهور.

- ۳۵- محدّثی خراسانی، زهرا، ۱۳۸۸، شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، تهران: انتشارات مجتمع فرهنگ عاشورایی.
- ۳۶- محمدزاده، مرضیه، ۱۳۸۳، دانشنامه شعر عاشورایی: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۷- مردانی، نصرالله، ۱۳۸۶، مست برخاستگان، تهران: نشر تکا.
- ۳۸- معلّم، محمدعلی، ۱۳۸۵، رجعت سرخ ستاره، تهران: چ دوّم، انتشارات سوره مهر.
- ۳۹- موسوی گرمارودی، سیّدعلی، ۱۳۸۶، باغ سنگ، تهران: نشر تکا.
- ۴۰- میرجعفری، سیّد اکبر، ۱۳۷۶، حرفی از جنس زمان، تهران: انتشارات قو.
- ۴۱- میرشکاک، یوسفعلی، ۱۳۸۸، گفتگویی با زن مصلوب، تهران: نشر تکا.
- ۴۲- هراتی، سلمان، ۱۳۸۶، آب در سماور کهنه، تهران: نشر تکا.

